

## جنبه های زبانی و فرازبانی ترجمه همزمان\*

نانسی سوّدا - نیکلسون  
ترجمه جواد طهوریان

### ۱- مقدمه

در ترجمه همزمان (SI)<sup>۱</sup> مترجم کار گوش دادن، تحلیل کردن، ترجمه کردن، و بیان کردن واژه ها و عبارات متن اصلی به زبان مبدأ (SL)<sup>۲</sup> و برگردان آن به زبان مقصد (TL)<sup>۳</sup> را تنها در طول چند ثانیه انجام می دهد. هدف از چنین فرایند پیچیده ای انتقال پیامی از زبان مبدأ به زبان مقصد در حداقل زمان ممکن است. ترجمه همزمان را نباید صرفاً نشان دادن کلمه، عبارت، بند، یا جمله ای از زبان مقصد به جای تک تک کلمات، عبارات، بندها یا جملات در زبان مبدأ تصور کرد. مترجم همزمان باید (۱) معنای نهفته در کلمات زبان مبدأ را درک کند؛ و (۲) این معنا را در زبان هدف بیان کند (لدر ۱۹۷۸، لوئی ۱۹۷۸، نایدا ۱۹۷۸، پرنیه ۱۹۷۸، سلسکویچ ۱۹۷۸). کتفورد ترجمه را این گونه تعریف می کند:

... نشان دادن مطالب بافتی بر یک زبان (زبان مبدأ) به جای مطالب بافتی معادل آن بر زبان دیگر

(زبان مقصد).

در ترجمه شفاهی و ترجمه مکتوب معنا اغلب با استفاده از کلمات، عبارات، بندها، و جملاتی که کاملاً با کلمات، عبارات، بندها و جملات زبان هدف تفاوت دارند به آن زبان منتقل می شود. یاکوبسن (۱۹۶۶) این پدیده را «تبادل در اختلاف» می نامد، به علاوه، به جای عبارتی در زبان مبدأ ممکن است در زبان مقصد از کلمه ای واحد یا از یک بند استفاده شود و برعکس (کتفورد ۱۹۶۵). ضروری است که بدانیم ترجمه پیام گفتار و یافتن کلمه های معادل برای عناصر واژگانی موجود در پاره ای از گفتار دو چیز متفاوت است.

در این مقاله می کوشیم هر دو عامل زبانی و فرازبانی را که در یافتن معنا مؤثرند بررسی کنیم و آنگاه بعضی تأثیرات مهم نظریه عمومی زبان، نظریه ترجمه شفاهی و ترجمه مکتوب، و کاربردشناسی را بر مطالعه فرایند ترجمه همزمان از نظر بگذرانیم. مثالهایی که می آوریم از تجارب شخصی و نیز از نمونه های ترجمه دانشجویان در سخنرانیها، کنفرانسها، و کلاسهای تمرین ترجمه انتخاب شده اند. داده های پژوهشی که در این مقاله ارائه کرده ام در طول چهار سال گذشته در دانشگاه دلاور<sup>۴</sup> گرد آمده است.

### ۲- بازشناسی معنا در ترجمه همزمان

#### ۱- آگاهی مترجم از عناصر زبانی و فرازبانی

معنای گفتار نه تنها تابع جنبه های آوایی، نحوی (در گذشته در نظریه معنایی معمولاً به این جنبه توجه

\* From *Applied Linguistics*, Vol. 8, No. 2, Oxford University Press, 1987.

1- Simultaneous interpretation

2- Source language

3- Target language

4- Delaware

نمی‌شد)، و معنایی است، بلکه در مفهومی وسیعتر و شاید پراهمیت‌تر بافتی که گفتار در آن روی می‌دهد در تعیین معنا موثر است. بافت عامل مهمی در نحوه دریافت، تحلیل، و درک الگوهای نحوی و آوایی گفتار است.

بازشناسی و تحلیل معنا از همان آغاز پایه اصلی پژوهشهای مربوط به ترجمه شفاهی و ترجمه مکتوب به شمار می‌آید. فرایند ترجمه همزمان که در واقع تحلیل معنای کلی است، نه تنها مبتنی بر جنبه‌های زبانی گفتار (که در بالا به آنها اشاره شد) است، بلکه بر اطلاعات فرازبانی در هر بافت مشخص که در دسترس مترجم هست نیز استوار است (آندرسون ۱۹۷۸، کولسانسکی ۱۹۸۱، لدر ۱۹۸۲، سودا - نیکلسون ۱۹۸۵). بی شک، کاربردشناسی نقش بسیار مهمی در ترجمه همزمان دارد. مترجم شفاهی از همه اطلاعات ممکن استفاده می‌کند تا «کلیت پیام» را بازآفرینی کند (ترنر ۱۹۸۴). لدر (۱۹۷۶) در نظریه ترجمه شفاهی از ترکیب همه اطلاعات در دسترس مترجم با عنوان «زمینه شناخت» یاد می‌کند. گارسیا - لاندا (۱۹۸۵) اطلاعاتی را که مترجم شفاهی از هر منبع ممکن برای کمک به برگردان پیام گرد می‌آورد «پیش ادراک» می‌نامد. مترجم شفاهی باید کار ترجمه را هرچه سریعتر و دقیقتر انجام دهد. او علاوه بر پردازش همه اطلاعات زبانی که دریافت می‌کند، بافت ترجمه را در همه حال برای کمک در برگردان پیش روی خود دارد. مهمتر این که او قادر است باتوجه به اطلاعاتی که از منابع زبانی و فرازبانی در اختیار دارد ابهامات را برطرف کند. علاوه بر این، درک مترجم از سخن گوینده بتدریج که گفتار ادامه می‌یابد روشتر می‌شود. اولنیک (۱۹۲: ۱۹۷۸) این فرایند را (که به طور یکسان هم برای ترجمه همزمان و هم برای ترجمه غیر شفاهی صادق است) این گونه خلاصه می‌کند:

تفسیر نهایی جمله توسط شنونده حاصل سنجش و یکپارچه‌سازی مجموعه‌ای از داده‌های شناختی مختلف است. این داده‌ها عبارتند از: اطلاعات واقعی و عاطفی نهفته در خود جمله به علاوه اطلاعات فرازبانی درباره گوینده، درباره موقعیت، از جمله موضوع بحث، و فرهنگ سخنگو و شنونده. تحلیل همه این عوامل برای درک چگونگی کارکرد بخش معنایی زبان لازم است.

## ۲-۲ عناصر وازگانی خارج از بافت و در بافت

همان‌طور که گفته شد مولفه‌های زبان، جدا از مولفه معنایی، و نیز داده‌های فرازبانی، در درک معنا موثرند. برای مثال، نمی‌توانیم کلمه‌ای نظیر Card (برگ، ورق، کارت ویزیت...) را خارج از بافت در نظر بگیریم و معنایی برای آن تصور کنیم که با همه بافتها تطبیق کند. وُلد (۴۲: ۱۹۷۸) در این باره می‌گوید:

وقتی کلمه‌ای در موقعیتی غیرواقعی به فردی ارائه می‌شود... جهت پردازش اطلاعات متأثر از تجارب اخیر فرد، طرز فکر قطعی وی و غیره است. عمل پردازش در افراد مختلف باهم تفاوت دارد و علت آن تاحدی این است که پردازشهای معنایی تحت تاثیر عوامل پیشینه‌ای مختلف هستند. جکنداف (۱۳۹: ۱۹۸۳) می‌نویسد:

معنای يك واژه... مجموعه‌ای وسیع و ناممکن... از خصوصیات است که صورت، کارکرد، هدف،

شخصیت، یا هر خصوصیت برجسته دیگری را دربر می‌گیرد.

سلسکویچ (۱۹۷۸) بسیاری از معانی خارج از بافت را که برای کلمه‌ای واحد می‌توان تصور کرد، «معانی زبانی» می‌نامد. هریک از این معانی وقتی کلمه مزبور را به تنهایی در نظر بگیریم برای خود معتبر است (یعنی برای هر کلمه‌ای مدخلهای قاموسی متعددی وجود دارد). در جمله «She handed him her

"card" (او کارتش را به وی داد)، خواننده یا شنونده نمی داند مقصود از کلمه کارت کدام کارت است. اگر پنج فرد مختلف این جمله را خارج از بافت خودش بخوانند یا بشنوند، این امکان هست که برای عنصر واژگانی "card" پنج معنای متفاوت در نظر بگیرند. لایتز (۱۷۹: ۱۹۸۱) می گوید ما می توانیم گفتار یا نوشته ای یکسان داشته باشیم بدون آن که جمله به کار رفته مشابه باشد. همان جمله بالا را اگر در بافت قرار دهیم برحسب موقعیت، معانی خاصی از آن مستفاد می شود (یعنی اگر همین جمله در کتابخانه ادا شود معنای این عنصر واژگانی کارت کتابخانه، در جلسه ملاقات معنای کارت بازرگانی، در رستوران معنای کارت خرید نسبه، و در فروشگاه معنای کارت پستال، و غیره می دهد). نکته اینجاست که اگر جمله مزبور در خارج از بافت قرار گیرد عنصر واژگانی کارت مدلولهای متفاوتی خواهد داشت. اما در یک بافت خاص می توان معنا یا ارزش موقعیتی ویژه ای به عنصر یاد شده نسبت داد. سلسکویچ (۸۳: ۱۹۷۶) چنین می نویسد:

عبارت خارج از بافت گفتاری یا ارتباطی دارای همان معنایی نیست که در سخن گوینده خطاب به فرد مقابل از آن مستفاد می شود.

اصطلاحی که سلسکویچ برای معنا در بافتی خاص به کار می برد «معنای درونی» است. زمانی که خود از اصطلاحی در موقعیتی خاص معنایی را اراده می کند مسأله ابهام از بین می رود. کتفورد (۳۶: ۱۹۶۵) در این زمینه می نویسد:

معنای بافتی يك کلمه عبارت است از مجموعه مشخصه های وضعی مرتبط با آن کلمه.

### ۳-۲ تبدیلات نهاده و بازده

وظیفه مترجم شفاهی استخراج معانی و مفاهیم از گفتار به زبان مبدأ و بیان آنها در زبان مقصد است. در ترجمه همزمان ما نه تنها به تحلیل نهاده می پردازیم بلکه با رابطه متقابل مستمر یک رمز زبانی با رمز زبانی دیگر نیز روبرویم. مک نامارا و کوشنیر (۱۹۷۱) مسأله جابه جایی نهاده و بازده را در دو زبانه ها مطرح می کنند. این جابه جایی به مترجمان همزمان که مجبورند با سرعتی همچون برق از یک زبان به زبان دیگر تغییر وضع دهند کمک می کند (نگاه کنید: آلبرت و ابلر ۱۹۷۸). مترجمان باید توان دریافتشان را در یک زبان فعال سازند و تنها یک یا دو ثانیه بعد، و گاهی حتی از این هم سریعتر، توان اجرایی شان را در زبان دیگر به کار اندازند. دقیق تر بگوییم تبدیل نهاده شبکه پردازش زبانی را از این مطلع می کند که اینک از زبانی خاص استفاده می شود. از طرف دیگر، تبدیل نهاده مانع از آن می شود که هر بار پیش از یک رمز زبانی تولید شود و در نتیجه می توان گفت از تداخل جلوگیری می کند. همین جا باید اضافه کنیم که تداخل صرفاً مشکل زبانی مربوط به بازده نیست بلکه می تواند در مرحله ادراک نیز خود را نشان دهد.

همچنین باید به خاطر داشته باشیم که به علت ماهیت کار ترجمه همزمان، مترجمان پیوسته باید ضمن بازگردان مطالبی که قبلاً پردازش و درک کرده اند به داده های جدید نیز توجه کنند و آنها را دریابند. بدون شک، این شیوه عمل از آن روی پدید می آید که مترجمان کار برگردان را با فاصله ای زمانی پس از گفتار گوینده انجام می دهند. این فاصله زمانی به مترجمان اجازه می دهد پیش از شروع به صحبت دقیقاً به مطالب گوش فرا دهند و آنها را تحلیل و درک کنند. ترجمه همزمان در واقع نمونه ای قابل توجه از تواناییهای پردازش اطلاعات مغز است. داده های زبانی و فرازبانی در دسترس مترجم نظامی پیوسته پویا از واریسها و ایجاد توازنها فراهم می آرد که ارزیابیها و تحلیلهای بعدی بر آن استوار است. علاوه بر اینها ابزارهای رمزگردانی در سرتاسر جریان ترجمه همزمان در کار هستند و از این طریق

نیز دو زبانی که مترجم در هر لحظه با آنها سر و کار دارد تا حد ممکن از هم متمایز نگه داشته می شوند. واضح است که حفظ چنین تمایزی بین زبانها برای مترجم بسیار مهم است.

#### ۲-۴ نیت گوینده

نیت گوینده نیز عاملی است که با بحث حاضر درباره ترجمه همزمان مرتبط است. پرنیه (۱۹۷۸) نیت گوینده را همان «پیام - معنا» می داند که وابستگی بسیار به بافت دارد. اولنیک از اصل «معناداری» سخن به میان می آورد و معتقد است که مخاطبان گوینده فرضشان بر این است که آنچه او بر زبان می آورد دارای معناست. بنابراین، با فرض چنین ذهنیتی در شنوندگان، آنان داده ها را تفسیر می کنند و تمام اطلاعات موجود را در نظر می گیرند و از این طریق معنای گفتار گوینده را درمی یابند. همه مترجمان گاهی ممکن است با ابهام یا مشکلی در فهم مطلب روبرو شوند. در این صورت، آنان باید اصل معناداری را به کار بندند و با استفاده از نشانه های زبانی و فرازبانی موجود تلاش کنند ترجمه ای کامل و صحیح ارائه دهند. اگر اطلاعات بعدی که مترجم دریافت می کند ثابت کند که ارزیابی قبلی مترجم همزمان از داده ها صحیح نیست باید بار دیگر مطلب را در ذهن مرور کند و در دریافت معنای آن بکوشد و در همین حال داده های بعدی را که دریافت می کند تحلیل کند.

#### ۳- ترجمه در عمل

حال پس از بررسی جنبه های مختلف زبانی و نظریه ترجمه شفاهی بحث را با گفتاری درباره کاربردهای عملی داده های نظری در فرایند ترجمه همزمان دنبال می کنیم. مثالها از تمرینهای کلاسی و نمونه های واقعی ترجمه انتخاب شده تا تأثیر متقابل نظریه و عمل را نشان دهیم.

#### ۳-۱ تحلیل موقعیت

پیش از آن که کنفرانس یا جلسه ای عملاً شروع شود، مترجمان شفاهی اطلاعات مرتبط را که ممکن است در تحلیل مقدماتی آن موقعیت مفید باشد کسب می کنند. برای مثال، مورد ساده ای همچون محل تشکیل کنفرانس می تواند اطلاعات ذیقیمتی درباره هدفهای کلی یا علت برگزاری آن کنفرانس در اختیار مترجم قرار دهد. در روزهای چهارم و پنجم نوامبر سال ۱۹۸۲ کنفرانسی بین المللی با نام «نقش بخش خصوصی در توسعه کوستاریکا» در ولیمینگتون دلاور برگزار می شد. این کنفرانس را دانشگاه دلاور با همکاری اتحادیه مقاطعه کاران و انجمن بین المللی جوانان مسیحی (YMCA) برگزار می کرد. انتخاب ایالات متحد به عنوان محل برگزاری کنفرانس نشانه آشکاری بود که بخش خصوصی یاد شده در بالا آمریکایی است. انتخاب خاص ولیمینگتون دلاور نشانگر منافع و علائق شخصی یکی از بازرگانان دلاور برای سرمایه گذاری در کوستاریکا بود. فرد مزبور تاکنون زمینه فعالیتها و سفرهای تجاری فراوانی را برای بازرگانان دلاور به این کشور آمریکای جنوبی فراهم آورده بود. هدف از این جلسه این بود که بازرگانان دلاوری و مقامات دولتی و بازرگانی کوستاریکایی گرد هم آیند. بنابراین، یکی از هدفهای اصلی تشویق بازرگانان دلاور به سرمایه گذاری در کوستاریکا بود. همه این اطلاعات اولیه در جلسه ای مقدماتی در حضور برگزارکنندگان کنفرانس به دست آمده بود. نگارنده بعداً همین اطلاعات را به دانشجویان فوق لیسانس رشته مترجمی که بنا بود در این کنفرانس مترجم باشند ارائه کرد. مثال حاضر

بروشنی برای دانشجویان روشن می‌ساخت که چقدر این اطلاعات قبلی برای آمادگی در کنفرانس می‌تواند ارزشمند باشد (گاریا - لاندن ۱۹۸۵). در نتیجه، پیش از شروع جلسه دانشجویان مترجم درباره بافتی که قرار بود در آن به ترجمه بپردازند اطلاعات فراوانی داشتند.

## ۲-۳ مخاطبان چه کسانی هستند؟

عنصر دیگری که در وضع کنفرانس‌هایی نظیر مورد یاد شده در بالا اهمیت دارد و اغلب می‌توان پیش از شروع جلسه درباره آن اطلاعاتی به دست آورد ترکیب مخاطبان حاضر در جلسه است. چرا شناخت شنوندگانی که به سخنان گوینده گوش می‌دهند مهم است؟ عموماً در کنفرانس‌های بین‌المللی شرکت‌کنندگان خود در همان رشته و زمینه مورد بحث گوینده (یا زمینه‌ای مرتبط با آن) صاحب نظر هستند، در نتیجه ممکن است مشکلاتی از لحاظ درک موضوع به وجود نیاید زیرا مخاطبان زمینه ذهنی مشترکی دارند و با همه اصطلاحات و مفاهیمی که مطرح می‌شود آشنا هستند. با این حال، همیشه ممکن است چنین نباشد. شاید عده‌ای در بین مخاطبان باشند که اطلاعات زیادی درباره موضوع نداشته باشند. اگر مترجمان شفاهی از قبل از این موضوع مطلع باشند بهتر می‌توانند پیام را به شنونده برسانند. در صورتی که وقت کافی وجود دارد (که بندرت چنین است) مترجمان می‌توانند بعضی از نکات بسیار پیچیده و دشوار را توضیح دهند. برای مثال، افراد متخصص اغلب از واژه‌های اختصاری<sup>۵</sup> که با آنها آشنا هستند استفاده می‌کنند، اما گاه این افراد توضیحی درباره چنین واژه‌های اختصاری به مخاطبان نشان نمی‌دهند. مترجمان شفاهی در صورتی که درباره مخاطبان اطلاعات قبلی داشته باشند می‌توانند در درک موضوع به آنان بسیار کمک کنند (نگاه کنید: ترنر ۱۹۸۴).

نگارنده خود چهار سال قبل هنگام ترجمه سخنان پروفیسوری از دانشگاه بسفر که مهمان دانشگاه دلاور بود با چنین موقعیتی روبرو شدم. عنوان سخنرانی عبارت بود از آموزش جملات ربطی در کلاسهای آموزش زبان فرانسه به خارجی‌ان. حاضران در جلسه عبارت بودند از دانشجویان (دوره‌های لیسانس و فوق لیسانس) و استادان (هم زبان‌شناس و هم غیرزبان‌شناس). پروفیسور یاد شده نظریه‌های جدیدی درباره آموزش جملات ربطی در زبان فرانسه ارائه می‌کرد. موضوع صحبتش بسیار دشوار بود. خوشبختانه من این فرصت را یافتم که پیش از شروع سخنرانی با او صحبت کنم و نسخه‌ای از رووس مطالب مورد بحث او را قبل از ترجمه گفته‌هایش آماده کنم (نگاه کنید: بوهرلر ۱۹۸۵). چون مخاطبان گوناگون بودند درباره بعضی از نکات سخنان گوینده توضیحاتی دادم، آنها را تکرار و گاه تفسیر کردم. گوینده آنقدر بر موضوع بحث تسلط داشت که دیگر درباره چیزی توضیح نمی‌داد و آن را تکرار نمی‌کرد. به علاوه سریع صحبت می‌کرد. نکته قابل ذکر باتوجه به تحلیل حاضر این که سیاق<sup>۶</sup> صحبت سخنران یک سیاق رسمی بود. علاوه بر این او بیشتر از زبان حرفه‌ای زبان‌شناسی استفاده می‌کرد که درک آن نیاز به دانش تخصصی داشت. من در مقام مترجم همزمان که خود زبان‌شناس نیز بودم تردیدی نداشتم که حتی آن دسته از حاضرانی که با زبان‌شناسی آشنا بودند احتمالاً به دشواری می‌توانستند بعضی جاها مطلب را پی بگیرند.

با بررسی پیش نویسها اطلاعات واقعی و بافتی ارزشمندی درباره سخنرانی آن استاد به دست آوردم. با

۵ - acronym که آن را سرواژه نیز ترجمه کرده‌اند، ترکیب حروف اول واژه‌های یک گروه اسمی مانند OPEC که از این گروه اسمی ساخته شده Organization of Petroleum Exporting Countries.

این اطلاعات و اندوخته های زبان شناسی خویش در دوران تحصیل، همراه با اطلاعات جدیدی که از متن سخنرانی قبل از ایراد آن گرد آورده بودم در برگردان مطالب ضمن سخنرانی با هیچ مشکلی روبرو نشدم. هنگام برگردان واحدهای معنایی بسادگی قابل تشخیص و درک بودند و کار ترجمه همزمان به خوبی پیش رفت. در موقعیتهایی شبیه به این مترجم همزمان می تواند با آگاهی از این که مخاطبان را چه افرادی تشکیل می دهند و اطلاعات قبلی شان درباره موضوع (در نمونه یادشده زبان شناسی) چقدر است، در کار ترجمه موفقتر باشد. این سخنان نایدا (۱۹۷۸: ۱۱۶)، هرچند درباره ترجمه مکتوب اظهار شده درباره ترجمه شفاهی نیز صادق است:

مخاطبان ترجمه اغلب «مخاطبان هدف» نامیده می شوند، اما این نامگذاری تلویحاً به این معناست که این افراد در جریان ارتباط و انتقال پیام صرفاً عناصری منفعل هستند. چنین تصویری بسیار گمراه کننده است، زیرا مخاطبان یک متن که باید آن را رمزگشایی کنند در جریان ارتباط همان قدر از اهمیت برخوردارند که رمزگذار اصلی یا مترجم.

مترجمان خوب (همچون گویندگان مجرب) در حد امکان می کوشند تا برگردانشان را با وضعیت مخاطبان تطبیق دهند (لدر ۱۹۸۵، تیری ۱۹۸۵، زوکارینی ۱۹۸۴). بدین طریق سعی دارند تا حد ممکن پیام مورد نظر گوینده را همه مخاطبان، صرف نظر از سطح اطلاعات و دانش تخصصی شان، بفهمند.

۳-۳ مشکلات دیگری که در ترجمه همزمان باید به آنها توجه داشت: از قلم افتادگیها، ضعف آگاهی، پیش بینی غلط، و عناصر واژگانی متروک مثالهای زیر نشانگر آگاهی بافتی مترجمان شفاهی (یا فقدان این آگاهی) است و این که چگونه این آگاهی در موقعیتهای عملی ترجمه آشکار می شود.

وقتی مترجمی درباره آنچه شنیده است تردید دارد، یا اطلاعاتی را از دست داده، برای پر کردن آن فاصله خالی باید بر بافت تکیه کند. سه سال قبل در یک سخنرانی با نام فرانسه سوسیالیست که دانشجویان دوره عالی ترجمه کار ترجمه همزمان از فرانسه به انگلیسی را به عهده داشتند، سخنران درباره بعضی تغییراتی که آقای میتران در فرانسه به وجود آورده بود صحبت می کرد. برای مثال، سخنران زمانی را به مقایسه مزایا و معایب تمرکز و تمرکز زدایی در بخشهای مختلف اقتصاد اختصاص داده بود. در مرحله ای از این بخش ترجمه متوجه شدم که کارآموزی که کار ترجمه را به عهده داشت پیش از ترجمه آن بخش درست و صریح پیام را جذب نکرده بود و درباره موضوع دودل بود. پس از لحظاتی گوش دادن متوجه شدم که دانشجوی مزبور باید تردیدش از اینجا ناشی شده باشد که نمی داند سخنران درباره تمرکز صحبت می کند یا تمرکز زدایی. (در پایان مترجم تصدیق کرد که در واقع متوجه نشده در آغاز صحبت از کدامیک از این دو مقوله بوده است.) کاملاً روشن بود که این کارآموز به این علت اندکی مکث کرده بود تا بدقت به دنباله مطلبی که موفق به دریافت آن نشده بود گوش فرا دهد، شاید بفهمد صحبت از چه چیزی است. (تا این لحظه از سخنرانی، سخنران سرگرم صحبت از معایب تمرکز و مزایای تمرکز زدایی بود.) طبیعتاً موضوع بعدی که سخنران در دنباله سخنانش درباره آن صحبت می کرد باز هم معایب تمرکز بود که به محض اینکه دانشجوی مزبور از دنباله مطلب اطلاع یافت بیدرنگ موضوع دستگیرش شد و فهمید که در واقع آنچه سخنران توضیح می دهد مسأله تمرکز است. لایتر (۱۹۷۷) به اصل «انسجام» اشاره می کند که طبق آن آنچه (در یک مکالمه، متن، سخنرانی، و غیره) پی گرفته می شود مرتبط با آن چیزی است که

قبلاً درباره آن سخن به میان آمده است. کتفورد مورد یاد شده در بالا را که مترجم (دانشجوی کارآموز) باتوجه به مطالب قبل و بعد موضوع را حدس می زد «هم بافتی» متن می نامد. در چنین موردی دیدیم که مترجم همزمان از نشانه های بافتی سود می جوید و مطالبی را که سخنران دنبال می کند با آنچه قبلاً از آن صحبت شده پیوند می دهد. لدرر (۲-۱۹۱: ۱۹۸۱b) در این باره چنین می نویسد:

در يك سخنرانی عبارات و جملاتی که می شنویم زمینه درك و فهم دنباله مطلب و دریافت تدریجی معنای کلی را فراهم می آورد. بدین ترتیب، هر جمله و عبارت گفتار باتوجه به تک تک معانی حقیقی عناصر زبانی و آنچه پیشتر شنیده ایم فهمیده می شود، این معنای بافتی در مقایسه با معنای زبان شناختی حکم اطلاعات تکمیلی را دارد که از فحوای کلام به دست می آید.

من اعتقاد راسخ دارم که در آموزش ترجمه همزمان و پیاپی باید بر پرورش چنین مهارت های تحلیلی متقابل و ارتباطی تأکید کرد. کارتلیه (۲۱۱: ۱۹۸۳) می گوید:

می توان پذیرفت که مترجم همزمان محتوای بخش های مختلف پیامی را که دریافت می کند باهم تلفیق می کند. این تلفیق در حد مطلوب عبارت است از مجموعه تمامی خصوصیات و جنبه های پیام.

دانشجوی کارآموزی که از آموزش کافی برای حداکثر استفاده از نشانه های زبانی و فرا زبانی موجود در چنین موقعیتی بی بهره است ممکن است برای اجتناب از اشتباه بسادگی آن بخش از ترجمه را حذف کند. اگر کارآموز به غلط به جای آنکه تک تک واژه ها را در پیوند با یکدیگر در نظر بگیرد و معنای کلی را استنباط کند عناصر واژگانی منفرد را مورد توجه قرار دهد قادر نخواهد بود پیام را به درستی و عیناً به مخاطب برساند و رشته کلام گسسته خواهد شد.

دانشجویی دیگر نه از ویژگی بافت استفاده کرده و نه (ظاهراً) زمینه اطلاعاتی لازم برای این کار را داشته است. درحین تمرین ترجمه همزمان و سخنرانی درباره جریانهای اقتصادی جهانی، سخنران اظهار داشت:

عواملی که منجر به سلب اطمینان وام دهندگان شد عبارت بود از آثار بحران اقتصادی جهانی، نرخهای بهره واقعاً بالا، و بالا رفتن ارزش دلار.

اما، دانشجویی که کار ترجمه را انجام می داد گفت «پایین آمدن ارزش دلار». نادرستی پایین آمدن ارزش دلار به دلیل مشخصه های اطلاعاتی برجسته زیر روشن بود: (۱) بافت کلی جریان بحث سخنران، لحن کلامش، و موضوعات قبلی بحث؛ (۲) اشاره های سخنران درست قبل از بیان مطلب؛ و (۳) این واقعیت که مدت های مدیدی بود که دلار در بازارهای خارجی از ارزش بسیار بالایی برخوردار بود. مترجم برای پرهیز از این اشتباه فاحش می توانست بر بافت سخنرانی و نیز آگاهی کلی خویش از نوسانات ارزش پول با کمک حافظه اش، تکیه کند. اشتباهات ترجمه شفاهی اغلب از این ناشی می شود که مترجم فاقد اطلاعات مربوط به آن حوزه است. سلسکوویچ (۱۹۷۶) و رویی شا (۱۹۸۴) نیز همین نظر را دارند. آگاهی از مطالب، کلید واقعی ترجمه ای خوب است. سلسکوویچ در این باره می نویسد: «آنچه درك می کنیم تابعی است از آنچه می گوئیم». در مورد یاد شده در بالا می بینیم که مترجم برای ارائه ترجمه ای صحیح در استفاده از اطلاعات بافتی ناکام می ماند. به سخن دیگر، می توان گفت مترجم نتوانسته از نشانه های موجود استفاده کند و علت آن احتمالاً این بوده که اطلاعات کافی درباره موضوع نداشته است.

«پیش آگهی مبتنی بر احتمال»<sup>۷</sup> که فین برگ مطرح کرده است توانایی استفاده از تجارب گذشته برای

سازماندهی فعالیت‌های بعدی است (گرو ۱۹۵ : ۱۹۷۶). هر مستمعی به طور طبیعی در یک سخنرانی یا هنگام مکالمه یا توجه به مطالب قبلی می‌کوشد کلمات، عبارات، و مطالب بعدی را تفسیر و تحلیل کند. چرنوف (۱۹۷۸) در این مورد مفهومی را مطرح کرده است تحت عنوان «پیش‌بینی احتمال» (که تاحدی بر مطالعات فین برگ استوار است). بنا بر گفته چرنوف مترجمان شفاهی گاهی بر اساس اصل فوق قادرند مطالب بعدی را پیش‌بینی کنند زیرا در خلال سخنرانی رشته افکار سخنران را دنبال می‌کنند و با شیوه استدلال او آشنا می‌شوند. به این فرایند عموماً پیش‌بینی گفته می‌شود و در طی آن مترجمان همزمان به حدس و گمان درباره دنباله گفتار می‌پردازند. اما، مترجمان خوب تنها زمانی می‌توانند پیش‌بینی کنند که درکی عمیق از بافت کلام داشته و با نحوه بیان و استدلال سخنران آشنا شده باشند. چنین پیش‌بینی اغلب امکان‌پذیر است، اما باید به آن طرف قضیه هم توجه داشت.

در تمرین کلاسی ترجمه همزمان در یک سخنرانی درباره تجارت بین‌المللی آمده بود:

ژاپن دومین شریک تجاری ایالات متحده است و کانادا و مکزیک به ترتیب اولین و سومین شریک

محسوب می‌شوند.

دانشجویی بخش اول جمله بالا را درست به فرانسه ترجمه کرد اما در ترجمه بخش دوم جمله دچار اشتباه شد و گفت «و کانادا و مکزیک سومین و چهارمین شریک محسوب می‌شوند...» این مثال نمونه‌ای از پیش‌بینی غلط است. در واقع آنچه در ذهن مترجم مزبور اتفاق افتاده بود این بود که پس از شنیدن اینکه ژاپن دومین شریک تجاری امریکاست، پیش خود فکر کرده بود که کشورهای بعدی حتماً به طور منطقی به ترتیب پس از ژاپن قرار دارند. شاید پس از درک معنای اولین بخش جمله قدرت تحلیل مترجم برای یک لحظه دچار اختلال شده بود. او پس از تحلیل معنا به پیش‌بینی بقیه گفتار سخنران پرداخته بود. یا شاید هم پیش‌تصور عملی مترجم درباره پیام باعث شده بود واحدهای صوتی را غلط بشنود (چکنداف ۱۳۹: ۱۹۸۳). مترجم ابتدا شنیده بود ژاپن دومین شریک تجاری آمریکا و آنگاه حواسش به این معطوف شده که کشورهای بعدی سومین و چهارمین هستند. در نتیجه، جمله را چنین ترجمه کرد که کانادا و مکزیک سومین و چهارمین شریک تجاری ایالات متحده‌اند. به علاوه، شاید هم کلمه سومین که نه تنها طبق پیش‌بینی مترجم، ادامه گفتار سخنران بوده بلکه برآستی از دهان سخنران نیز ادا شده موجب تقویت پیش‌بینی غلط مترجم شده باشد. این اشتباه این واقعیت را توجیه می‌کند که مترجم متوجه اشتباه خویش نشده است (نگاه کنید گرو ۱۹۷۵، بریک ۱۹۸۱).

مثال دیگر که از تمرین‌های کلاسی درس ترجمه همزمان در دانشگاه دلاور انتخاب شده است مربوط به معنای بافتی صحیح یک عنصر واژگانی است که دارای معانی متعددی است. با آنکه مثال بسیار ساده است اما بار دیگر تأثیر شگرف کاربردشناسی را در یافتن معنای صحیح هنگام ترجمه شفاهی نشان می‌دهد. در درس عملی ترجمه دانشجویان سرگرم کارورزی در یک سخنرانی با نام «بحران تجاری در دهه ۱۹۸۰» بودند. این سخنرانی را پرزیدنت ریگان در باشگاه مشترک المنافع در سان فرانسیسکو در روز چهارم مارس ۱۹۸۳ ایراد می‌کرد. سخنران در آغاز خوشحالی خود را از سفر به سان فرانسیسکو ابراز کرد زیرا معتقد بود سان فرانسیسکو همچون پلی ارتباطی است بین مناطق تجاری. او همچنین اظهار داشت که سان فرانسیسکو و باشگاه مشترک المنافع محل مناسبی برای حرکتی جدی در تجارت دهه ۱۹۸۰ است. وی در ادامه گفتار خود این کنفرانس را «نخستین گام در حرکتی تازه به سوی آینده» نامید. عبارت نخستین گام (First leg) برای بعضی دانشجویان مشکلاتی را به وجود آورد زیرا واژه leg دارای معنای «پا»، «قدم»، و غیره نیز بود. برخی از دانشجویان به جای اینکه به کاربرد واژه مزبور در این بافت که



معنای نخستین مرحله (نخستین گام) را می‌داد توجه کنند، این واژه را به معنای «عضوی از بدن» گرفتند. درحالی که معنای صحیح واژه leg در این بافت باید با معنای کلی تمام جمله تطبیق کند. در این مورد نمونه‌ای از معنای زبانی خاص واژه (که برای این بافت نامناسب است) مانع از درک معنای صحیح واژه می‌شود. علایم درهم و برهم و گمراه‌کننده‌ای که مترجمان شفاهی مبتدی دریافت می‌کنند (مثلاً در این مورد تصویر ذهنی و معنای واژه leg به عنوان عضوی از بدن و سپس تشخیص بعدی معنای درست واژه مزبور باتوجه به اینکه در چنین بافتی معنای اخیر نمی‌تواند درست باشد) گاه موجب می‌شود مترجمان درصدد رفع ابهام برآیند ضمن آنکه در همان حال فرصتی ارزشمند برای تحلیل معنایی را ازدست می‌دهند. در چنین مواردی کاربرد قواعد رجحان موضعی و کلی برای رفع ابهام از معنای کاربردی واژه‌ای نظیر leg مفید است.

مشکل یاد شده کمتر برای مترجمان مجرب روی می‌دهد. غالب اوقات اطلاعات بافتی فرد درباره موقعیتی خاص بسیار پایتتر از سطح هشیاری عمل می‌کند مترجمانی که آموزش کافی برای مهارتهای ترجمه همزمان و تحلیل بافتی دیده باشند قادرند اطلاعات را با سرعت و به طور صحیح پردازش کنند. بدین طریق، آنان صرفاً به معنای زبان شناختی عنصری واژگانی به طور مجزا و خارج از بافت توجه نمی‌کنند بلکه برای دست یافتن به معنای بافتی صحیح و مناسب بر جنبه‌های کاربردی کلام تکیه می‌کنند.

#### ۴- نتیجه

در مقاله حاضر هر دو جنبه زبانی و فرازبانی را در ترجمه همزمان، ضمن تأکید بر تشخیص معنای مورد بحث قرار دادیم. گفته شد که معنای مناسب هر واژه را در بافتی که به کار رفته است باید پیدا کرد. همچنین درباره فرضیه تبدیلات نهاده و بازده در دو زبانه‌ها و اهمیت و نیت گوینده نیز سخن به میان آمد. به علاوه در این مقاله درباره چگونگی استفاده از کاربردهای عملی فرضیه‌های نظری صحبت کردیم و مثالهایی از موارد ترجمه واقعی و تمرینهای کلاسی آوردیم.

آنچه در این بررسی اهمیت ویژه‌ای داشت روش استفاده مترجمان همزمان از ترکیبی از نشانه‌های زبانی و فرازبانی برای تعیین معناست. برای مثال، گفته شد که نه تنها کلماتی که ادا می‌شوند (و البته الگوهای نحوی و آوایی شان) در تشخیص معنا می‌توانند کمک کنند بلکه موارد زیر نیز می‌تواند به آنان یاری رساند: (۱) اطلاعات قبلی درباره موضوع، (۲) آگاهی از نیات ارتباطی گوینده و آشنایی با موضوع، (۳) آگاهی از ترکیب مخاطبان گوینده، و (۴) موقعیت کلی.

به طور کلی در این مقاله سعی کردیم روشن کنیم که عمل ترجمه همزمان صرفاً این نیست که مترجم به جای کلمات زبان مبدأ کلماتی را در زبان مقصد جانشین کند. ترجمه همزمان پس از استفاده موفقیت آمیز از آن در جریان محاکمات نورنبرگ در اواسط دهه ۱۹۴۰ با استقبال گسترده‌ای روبرو شد. در طول چهل سال گذشته مطالب فراوانی درباره جنبه‌های مختلف ترجمه شفاهی نوشته شده است، اما هنوز مطالعات درخور و شایسته‌ای درباره ارتباط روان شناسی شناخت گرا، نظریه زبانی (بویژه نظریه روانی و اجتماعی زبانی)، پردازش اطلاعات، و الگوهای گفتار با ترجمه صورت نگرفته است. رشته‌های یاد شده (در بین سایر رشته‌ها) می‌توانند تأثیر فراوانی در پیدایش رویکردی میان رشته‌ای\* به

ترجمه همزمان داشته باشند. وظیفه ماست که برای پیوند بیشتر میان این رشته‌ها که می‌توانند چیزهای زیادی به هم بدهند، بکوشیم.

### References

- Albert, M. L. and L. K. Obler. 1978. *The Bilingual Brain*. New York: Academic Press.
- Anderson, R. B. W. 1978. 'Interpreter roles and interpretation situations: cross-cutting typologies' in D. Gerver and H. W. Sinaiko (eds.) 1978.
- Barik, H. C. 1981. 'Types of translation departures and other linguistic events occurring in simultaneous interpretation' in G. Nickel (ed.): *Translation*. Stuttgart: Hochschul-Verlag.
- Bühler, H. 1985. 'Conference interpreting: a multichannel communication phenomenon' *Meta* 30/1:49-54.
- Cartellieri, C. 1983. 'The inescapable dilemma: quality and/or quantity in interpreting.' *Babel* XXIX/4:209-13.
- Catford, J. C. 1965. *A Linguistic Theory of Translation*. London: Oxford University Press.
- Chemov, G. V. 1978. *The Theory and Practice of Simultaneous Interpretation* (in Russian). Moscow: International Relations.
- Feigenber, I. M. 1967. 'Probabilistic prognosis and its significance' in M. Cole and I. Maltzman (eds.): *A Handbook of Contemporary Soviet Psychology*. New York: Basic Books.
- Garcia-Landa, M. 1985. 'L'oralité de la traduction orale.' *Meta* 30/1: 30-36.
- Gerver, D. 1975. 'A psychological approach to simultaneous interpretation.' *Meta* 20:119-28.
- Gerver, D. 1976. 'Empirical studies of simultaneous interpretation: a review and a model' in R. Brislin (ed.) 1976.
- Gerver, D. and H. Wallace Sinaiko. 1978. *Language Interpretation and Communication*. New York: Plenum Press.
- Gregory, M. J. 1980. 'Perspectives on translation from the Firthian tradition.' *Meta* 25/4: 455-66.
- Jackendoff, R. 1983. *Semantics and Cognition*. Cambridge, Massachusetts: MIT Press.
- Jakobson, R. 1966. 'On linguistic aspects of translation' in R. Brower (ed.): *On Translation*. New York: Oxford University Press.
- Klett, E. 1983. 'Virtualité et textualité en traduction.' *Meta* 28/1: 48-56.
- Kolsanskij, G. B. 1981. 'Communication, texte, traduction.' *Parallèles* 4: 123-35.
- Lederer, M. 1976. 'Synecdoque et traduction.' *Etudes de Linguistique Appliquée* 24: 13-41.
- Lederer, M. 1978. 'Simultaneous interpretation—unis of meaning and other features' in Gerver and Sinaiko (eds.) 1978.
- Lederer, M. 1981 a. 'La pédagogie de la traduction simultanée' in Delisle (ed.) 1981.
- Lederer, M. 1981 b. *La traduction simultanée*. Paris: Minard.
- Lederer, M. 1982. 'Le processus de la traduction simultanée.' *Multilingua* 1/3: 149-58.
- Lederer, M. 1985. 'L'interprétation, manifestation élémentaire de la traduction.' *Meta* 30/1: 25-9.
- Le Ny, J.-F. 1978. 'Psychosemantics and simultaneous interpretation' in Gerver and Sinaiko (eds.) 1978.
- Lyons, J. 1977. *Semantics (Vol. I, II)*. Cambridge University Press.
- Lyons, J. 1981. *Language, Meaning and Context*. London: Fontana.
- Macnamara, J. and S. Kushnir. 1971. 'Linguistic independence of bilinguals: the input switch.' *Journal of Verbal Learning and Verbal Behavior* 10: 480-87.
- Nida, E. A. 1978. 'The setting of communication: a largely overlooked factor in translation.' *Babel* XXIV 3-4: 114-17.
- Pergnier, M. 1978. 'Language meaning and message meaning: towards a sociolinguistic approach to translation' in Gerver and Sinaiko (eds.) 1978.
- Pergnier, M. 1982. 'Théorie linguistique et théorie de la traduction.' *Meta* 26/3: 255-62.

- Robichaud, R. 1984. 'La formation de l'interprète. De l'empirisme érigé en système' in Thomas and Flamand (eds.) 1984.
- Schweda-Nicholson, N. 1985. 'Consecutive interpretation training: videotapes in the schweda-Nicholson, N. and J. den Tuinder. 1984. 'Semantics and context in simultaneous interpretation' in P. E. Newman (ed): *Silver Tongues: Proceedings Volume of the Twenty-Fifth Annual 'Conference of the American Translators Association*. Medford, N.J.: Learned Information.
- Seleskovitch, D. 1976. 'Traduire: de l'expérience aux concepts.' *Etudes de Linguistique Appliquée* 24: 64-91.
- Seleskovitch, D. 1978. *Interpreting for International Conferences*. Washington, D.C.: Pen and Booth.
- Seleskovitch, D. 1980. 'Pour une théorie de la traduction inspirée de sa pratique.' *Meta* 25/4: 401-8.
- Seleskovitch, D. 1985. 'Interprétation ou interprétariat?' *Meta* 30/1: 19-24.
- Thiery, C. 1985. 'La responsabilité de l'interprète de conférence professionnel ou pourquoi nous ne pouvons pas écrire nos mémoires.' *Meta* 30/1: 78-81.
- Trenner, S. 1984. 'Formation permanente' in Thomas and Flamand (eds.) 1984.
- Uhlenbeck, E. M. 1978. 'On the distinction between linguistics and pragmatics' in Gerver and Sinaiko (eds.) 1978.
- Wold, A. H. 1978. *Decoding Oral Language*. London: Academic Press.
- Zuccarini, C. 1984. 'Obstacles to linguistic communication: a few considerations.' *The Incorporated Linguist* 23/3: 163-5.